

بررسی نحوه محاکمه عاملین ژنوساید مسلمانان میانمار با تأکید بر جنایات ژوئن ۲۰۱۲



محمد امیر محمدی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی
سعید رئیسی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی
هادی نوری زاده، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

از چندین دهه پیش، مسلمانان روهینگیا در کشور میانمار (برمه) مورد آماج خشونت‌های بوداییان افراطی و ناسیونالیست‌های راکین بوده‌اند، لکن اگرچه پس از خشونت‌ها و کشتار گسترده آنان در ژوئن ۲۰۱۲ مظلومیت آنان دیده شد، اما متأسفانه در خصوص محاکمه عاملین آنان هیچ اقدامی انجام نشد و همین امر، سبب شد تا آنها نه تنها آواره اردوگاه آوارگان یا کشور بنگلادش شوند، بلکه همین بی‌توجهی مجامع بین‌المللی و سازمان ملل متحد در پیگیری جدی، رسیدگی و مجازات مرتکبین، سبب تکرار و ادامه این خشونت‌ها تاکنون شده است. مقاله مزبور که درصدد بررسی نحوه محاکمه عاملین ژنوساید مسلمانان میانمار با تأکید بر جنایات ژوئن ۲۰۱۲ است، پس از بسط فضای مفهومی و نیز رویکردهای نظری مرتبط با موضوع پژوهش، با استفاده از روش تحقیق کیفی و از نوع مطالعات اسنادی به گردآوری داده‌های تحقیق پرداخته و آنها را مورد تحلیل قرار خواهد داد. در مقاله این سؤال مطرح است که مسئولیت کیفری مرتکبین جنایات ژوئن ۲۰۱۲ و پس از آن چیست؟ و نحوه تعقیب و محاکمه آنها چگونه خواهد بود؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که اولاً، جنایت‌های اخیر دولت میانمار را بیشتر کارشناسان حقوقی به عنوان مصداق بارز نسل‌کشی می‌دانند؛ چراکه پاکسازی نژادی دقیقاً در میانمار رخ داده است؛ ثانیاً، اگرچه کشور میانمار به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ملحق نشده است، لکن مرتکبین ژنوساید مسلمانان روهینگیا، قابل تعقیب و محاکمه هستند اما علی‌رغم عدم تمایل محاکم داخلی کشور میانمار به این امر، ارجاع آن از طریق سازمان ملل متحد و رسیدگی آن در دیوان بین‌المللی کیفری، مسکوت و مغفول مانده است. کلمات کلیدی: مسلمانان روهینگیا، ژنوساید، دیوان بین‌المللی کیفری، محاکمه



درآمد

اقلیت قومی روهینگیا، مسلمانانی هستند که ریشه‌های اجدادی و پیوندهای فرهنگی آنها در ایالت آراکان (راخین) کشور میانمار (برمه) و در امتداد مرزهای میانمار و بنگلادش قرار دارد. منابع معتبری وجود دارد که مسلمانان روهینگیا پیش از استقلال کشور میانمار از استعمار بریتانیا، در سال ۱۹۴۸ میلادی و حتی پیش از دوره استعمار در ایالت رخاین ساکن بوده‌اند. در واقع، ایالت رخاین در کشور میانمار منزلگاه اجدادی مسلمانان روهینگیا بوده است، لکن بوداییان ملی‌گرای افراطی شدیداً این دیدگاه را رد می‌کنند و مردم روهینگیا را مهاجران غیرقانونی می‌دانند که در طول حکومت بریتانیا بر برمه یا پس از استقلال برمه و پاکستان، به ترتیب در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۴۷ از بنگال شرقی به رخاین مهاجرت کرده‌اند. تاریخ مدون و قوانین رسمی دولت برمه مؤید این دیدگاه است، دیدگاهی که مدعی است مردم روهینگیا جایی در تاریخ میانمار ندارند و مردم روهینگیا را از فهرست ۱۳۵ گروه قومی میانمار که در قانون اساسی و قانون تابعیت توسط دولت به رسمیت شناخته شده‌اند، خط می‌زند که این موضوع سبب شروع بحران در این کشور گردیده است (روستائی و آرش‌پور، ۱۳۹۵: ۴۶). ژنوساید مسلمانان میانمار مصداق عینی جنایت بین‌المللی بوده و تأثیرات زیادی بر سطح افکار عمومی و مجامع بین‌المللی گذاشته است. این حادثه از آن رو حائز اهمیت فراوان است که در قرن حاضر؛ ۲۱ رخ داده که جامعه جهانی تلاش‌های بی‌شماری در جهت رعایت حقوق انسان‌ها و جلوگیری از حوادث رخ داده در قبل و در طول تاریخ نموده است؛ اما ژنوساید مسلمانان میانمار خط بطلانی بر تلاش جامعه جهانی در جهت حفظ جان

و کرامت انسان‌ها کشیده است و مصداقی از جنایت بشری در عصر حاضر به حساب می‌آید. در مقاله این سؤال مطرح است که؛ مسئولیت کیفری مرتکبین جنایات ژوئن ۲۰۱۲ و پس از آن چیست؟ و نحوه تعقیب و محاکمه آنها چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به سؤال مقاله این فرضیه مطرح شده است که «جنایت‌های اخیر دولت میانمار مصداق بارز نسل‌کشی محسوب شده که مرتکبین ژنوساید مسلمانان روهینگیا، قابل تعقیب و محاکمه هستند». همه این مسائل باعث شده تا ژنوساید مسلمانان میانمار در کانون توجه جامعه جهانی و افکار عمومی جهان قرار گیرد؛ موضوعی که هدف این مقاله بوده و تلاش می‌شود ضمن مشخص نمودن جرم نسل‌کشی در میانمار، بحث چگونگی محاکمه عامل از منظر حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. در راستای هدف، سؤالات و فرضیه تحقیق تلاش شده است تا در چند بند تحت عنوان بند اول، مفهوم شناسی؛ بند دوم، بررسی جرم نسل‌کشی در میانمار؛ بند سوم، بررسی نحوه محاکمه و بند چهارم، بررسی وظایف جامعه جهانی در قبال نسل‌زدایی علیه مسلمانان میانمار موضوع تبیین شود.

۱- مفهوم شناسی

با توجه به اهمیت مقاله و داشتن کلیدواژه‌های مهم همچون ژنوساید در این قسمت تلاش می‌شود تا به تعریف مفاهیم کلیدی پرداخته شود.

۱-۱- ژنوساید

ژنوساید یکی از جنایت‌های مهم بین‌المللی است که ماده ۵ اساسنامه رم صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را نسبت به آن اعلام کرده است. ژنوساید فجیع‌ترین جنایت بین‌المللی است که با قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی

یا مذهبی ارتکاب می‌یابد. این پدیده همواره در طول تاریخ رخ داده است. کشتار ارامنه در سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۵، کشتار مردم اوکراین در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۲ و نسل‌کشی یهودیان نمونه‌هایی بارز از این جنایت است که پیش از جنگ جهانی دوم و در خلال آن ارتکاب یافته است. قتل‌عام در کامبوج در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۵، کشتار مسلمانان بوسنی و هرزگوین در سال ۱۹۹۳ و تونسی‌ها در سال ۱۹۹۴ موارد دیگر از ژنوساید پس از جنگ جهانی دوم است و اخیراً نیز می‌توان به ژنوساید مسلمانان میانمار اشاره نمود (صبور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱-۳).

۲-۱- نسل‌زدایی

نسل‌کشی یا کشتار جمعی معادل فارسی کلمه ژنوساید است که از کلمات «Genos» به معنای نژاد یا نسل و «Cide» به معنای کشتن ترکیب یافته است. این واژه اولین بار در سال ۱۹۳۳ به وسیله حقوقدان لهستانی به نام رافائل لمکین، برای توصیف جنایاتی که به نابودی تدریجی گروه‌های انسانی می‌انجامید، به کار رفت (Raphael, 1947: 41).

واژه نسل‌کشی برای شرح اعمال بی‌رحمانه جنایتکاران آلمان نازی در محاکمات نورنبرگ استفاده شد. نسل‌کشی عبارت است از هرگونه اقدام و مبادرت جهت نابودی و حذف فیزیکی بخشی یا کلیت گروهی نژادی، قومی، ملی، مذهبی، ایدئولوژیکی. آن زمانی که تعبیرهای جزئی در مورد نسل‌کشی تغییر می‌کرد، اولین تعریف قانونی این عمل در بیانیه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ حول «جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی» شکل گرفت. تصویب معاهده بین‌المللی پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در



نهم دسامبر ۱۹۴۸ و الحاق کثیری از کشورهای جهان به معاهده مذکور، باعث محکومیت گسترده این جنایت در جامعه بین‌المللی گردید. ماده ۲ معاهده که عیناً در مواد ۲ و ۴ اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد اقتباس قرار گرفته است، نسل‌کشی را به شرح ذیل تعریف می‌کند: «منظور از نسل‌کشی هر یک از اعمال مشروحه زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد:

الف) کشتار افراد یک گروه؛ ب) ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه؛ ج) قرار دادن عمدی یک گروه در شرایط زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی تمام یا قسمتی از آن گروه شود؛ د) تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد در گروه؛ هـ) انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر» (اردبیلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۳).

از دیدگاه جرم‌شناختی، جرم‌انگاری یا جرم تلقی کردن فعل یا ترک فعل، فرآیندی است که به وسیله آن رفتارهای مجرمانه جدید به موجب قانون تعریف و مشمول قانون کیفری و مجازات می‌شود. جرم‌انگاری را به تعبیری می‌توان نوعی محروم‌سازی اجتماعی دانست. توسعه جریان جرم‌انگاری از نظر ریمون گسن مولود سه عامل است که یکی از این عوامل ظهور پدیده‌های غیرانسانی نوظهور است که قربانیان آنها باید تحت حمایت دولت قرار می‌گرفتند؛ نظیر نژادپرستی، خشونت علیه زنان، ختنه دختران و گاسین...؛ در تعریف دیگر جرم‌انگاری، فرآیندی گزینشی است که قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارهای

اجتماعی، معیارهای بین‌المللی و داده‌های جرم‌شناسی، رفتارهایی را ممنوع یا الزام‌آور می‌نماید و در جهت حمایت از چنین فرآیندی ضمانت اجرای کیفری قرار می‌دهد (میرکمالی، ۱۳۹۶: ۳۹۲).

۲- بررسی جرم نسل‌کشی در میانمار ۱-۲- بررسی سیر تاریخی شکل‌گیری ژنوساید مسلمانان میانمار

جمعیت روهینگیا در منطقه تاریخی آراکان قرار دارد که یک کشور قدیمی ساحلی واقع در جنوب شرق آسیا است. اگرچه اختلاف‌های شدیدی درباره میزان جمعیت مسلمانان در میانمار وجود دارد، لکن با توجه به آمارهای اختلافی، به نظر می‌رسد در کشور میانمار دست کم نزدیک به دو میلیون نفر مسلمان وجود دارد (ماهنامه جهان‌گستر، ۱۳۹۴: ۵۰). امروزه، کل جمعیت مسلمانان روهینگیا در ایالت رخاین تقریباً بیش از یک میلیون نفر است که اکثرشان در سه بخش شهری ایالت رخاین شمالی زندگی می‌کنند و فاقد تابعیت هستند (روستائی و آرش‌پور، ۱۳۹۵: ۴۶).

اولین دولت آراکانی در منطقه‌ای موسوم به دانیواودی شکل گرفت. سنگ نوشته‌های یافته شده در این منطقه نشان می‌دهد پایه‌گذاران نخستین دولت آراکانی هندی‌ها بودند. دانیل جورج ادوارد هال مورخ مشهور انگلیسی معتقد است برخلاف ادعاهای کنونی افراط‌گرایان میانماری، مردم برمه احتمالاً تا حدود قرن دهم میلادی در این منطقه ساکن نبوده‌اند. مطابق این شواهد، به طور کلی ادعای تاریخی روهینگایی‌ها در مورد برخورداری از ریشه‌های تاریخی و سرزمینی سکونت در میانمار صحیح و ادعاهای دولت و افراط‌گرایان میانماری فاقد مستندات تاریخی قابل اعتنا است (Topich & Keith, 2013:30).

آراکان به علت برخورداری از موقعیت ساحلی در امتداد خلیج بنگال توانست به سرعت جایگاه یک مرکز کلیدی تجارت دریایی میان برمه و دنیای خارج از زمان امپراتوری مائوری در هند را به دست آورد. بازرگانان عرب از قرن سوم با آراکان در ارتباط بودند و با استفاده از خلیج بنگال خود را به آراکان می‌رساندند. این بازرگانان از قرن هشتم میلادی و با گسترش اسلام در خاورمیانه کنونی اقدام به سفرهای دریایی به جنوب شرق آسیا با هدف معرفی اسلام به مردم این منطقه و گسترش دین نوظهور اسلام کردند. بسیاری از ساکنان محلی آسیای جنوب شرقی خیلی زود به اسلام گرویدند. برخی مورخان معتقدند بازرگانان عرب مسلمان از مسیرهای تجاری برای گسترش اسلام به شبه قاره هند و چین استفاده کردند. مسیر جنوبی جاده ابریشم پیوندی میان هند، برمه و چین ایجاد کرده بود. شواهدی از حضور بازرگانان عرب در سواحل جنوب غرب بنگال در مرز با آراکان از قرن نهم وجود دارد و مردم روهینگیا ریشه‌های تاریخی خود را دقیقاً در پیوند با این مقطع زمانی می‌دانند (HRW, 2018: 2-9). اندک زمانی پس از استقلال میانمار از انگلیس در سال ۱۹۴۸، قانون شهروندی اتحاد^(۱) تصویب شد که در آن کلیه گروه‌های قومی که می‌توانستند شهروندی میانمار را کسب کنند مشخص شده بودند.

در سال ۱۹۷۸ برائت عملیات نظامی دیکتاتوری حاکم بر برمه (میانمار کنونی) موجی از آوارگان روهینگاییی وارد بنگلادش شدند. در این مقطع در حدود دویست هزار نفر از روهینگایی‌ها در منطقه کاکس بازار بنگلادش ساکن شدند. شانزده ماه مذاکرات دیپلماتیک به توافقی برای بازگشت آوارگان به میانمار



در حالی بود که نام این منطقه از لحاظ تاریخی به مدت چندین قرن آراکان بود. اصطلاح محلی روهینگیا قابل ردگیری به دوران پیش از استعمار است. جامعه روهینگیا قبلاً با عنوان هندی‌های آراکانی یا مسلمانان آراکانی شناخته می‌شدند؛ اما از سال ۱۹۸۲ و با تصویب قانون جدید شهروندی، دیکتاتوری نظامی میانمار و دولت این کشور به شدت با استفاده از اصطلاح روهینگیا مخالفت کرده و ترجیح داده‌اند از اصطلاح مهاجران غیرقانونی برای اشاره به این اقلیت مسلمان استفاده نمایند. دولت میانمار به سفرا و نمایندگان خارجی فشار آورده است تا از واژه روهینگیا استفاده نکنند (Lowenstein, 2015: 2-12).

دولت بنگلادش که در حال حاضر نزدیک به نهصد هزار روهینگایی به آن وارد شده‌اند تلاش کرده است از ورود سیل پناهجویان روهینگایی مسلمان و هندی تبار به درون مرزهای خود جلوگیری کند و آنها را مهاجران غیرقانونی می‌داند. دولت بنگلادش تلاش کرده است بسیاری از روهینگایی‌ها را به جزیره‌ای دورافتاده که دائماً در معرض خطر سیل قرار دارد و گروه‌های حقوق بشری آن را غیرقابل سکونت نامیده‌اند هدایت کند. سازمان ملل و جامعه بین‌الملل نیز سرکوب‌ها در میانمار را به شدت محکوم کرده‌اند و چندین گروه حقوق بشری؛ از جمله عفو بین‌الملل نیز در قبال ارتکاب جنایات جنگی و پاکسازی قومی یا نسل‌کشی علیه روهینگایی‌ها هشدار داده‌اند. با توجه به بررسی سیر تاریخی بحران میانمار و دلایل آن اکنون لازم است تا به این موضوع بپردازیم که آیا بر طبق اسناد حقوق بین‌المللی بحران میانمار مصداق نسل‌کشی به حساب می‌آید؟

در میانمار زندگی کرده‌اند و به خوبی نیز به یکی از زبان‌های ملی کشور مسلط است. بسیاری از روهینگایی‌ها از این اوراق بی‌بهره بودند؛ چراکه یا به آنها داده نشده بود یا فاقد آن بودند. در نتیجه این قانون حق آنها برای تحصیلات، کار، مسافرت، اجرای مناسک دینی و دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی به شدت محدود شد. روهینگایی‌ها نمی‌توانند رأی بدهند و حتی اگر در آزمون شهروندی موفق شوند باید به عنوان شهروندانی غیرروهینگایی پذیرفته شوند و محدودیت‌هایی برای ورود آنها به برخی رشته‌ها نظیر پزشکی و حقوق و توانایی حضور به عنوان نامزد در رقابت‌های انتخاباتی در نظر گرفته شود. از اوایل دهه ۱۹۷۰ روهینگایی‌های ساکن استان راخین چندین بار مورد سرکوب ارتش میانمار قرار گرفته‌اند که بر اثر آن چندصد هزار نفر از آنها مجبور به فرار به بنگلادش، مالزی و تایلند و برخی دیگر از کشورهای جنوب شرق آسیا شده‌اند. در جریان این سرکوب‌ها، مردم روهینگیا به شدت مورد تجاوز، شکنجه و کشتار قرار می‌گرفتند و اموال و دارایی‌های آنها از جمله منازلشان به وسیله نیروهای امنیتی میانمار به آتش کشیده می‌شود.

یکی از روش‌های دیکتاتوری حاکم بر میانمار برای رد ادعای شهروندی روهینگایی‌ها تغییر اسامی مختلف مرتبط با آنها بوده است. در سال ۱۹۸۹ حاکمان میانمار نام آن را از برمه به میانمار تغییر دادند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ نیز نام استان آراکان که روهینگایی‌ها خود را از لحاظ تاریخی مرتبط با آن می‌دانستند به استان راخین تغییر پیدا کرد. راخین دیگر گروه قومی ساکن در این استان بود که جمعیت آن به مراتب کمتر از جمعیت روهینگایی‌هاست. این

در چارچوب سازوکاری تحت نظر شورای حقوق بشر سازمان ملل انجامید. بازگشت روهینگایی‌ها به برمه در آن سال پس از بازگشت آوارگان کامبوجی از تایلند بزرگترین موج بازگشت آوارگان در آسیا بوده است. بر اساس گزارشی که مؤسسه حقوق بشر دانشگاه ییل آمریکا در سال ۲۰۱۵ منتشر کرد، روهینگایی‌ها در این قانون ذکر نشده بودند. با این حال بر اساس این قانون خانواده‌هایی که برای بیش از دو نسل در میانمار زندگی کرده بودند می‌توانستند تقاضای کارت شناسایی کنند. روهینگایی‌ها در ابتدا موفق به دریافت این کارت‌های شناسایی و حتی شهروندی بر اساس یک برداشت عمومی از قانون شهروندی شدند. در این دوره نمایندگان اقلیت روهینگایی در پارلمان هم حضور داشتند؛ اما به دنبال کودتای نظامی سال ۱۹۶۰ در میانمار اوضاع برای روهینگایی‌ها به شدت شروع به تغییر کرد. در این دوره از تمامی شهروندان خواسته شد کارت شناسایی ملی اخذ کنند؛ اما روهینگایی‌ها تنها موفق به دریافت کارت شناسایی اتباع خارجی شدند که سبب ایجاد محدودیت‌هایی جدی در زمینه فرصت‌های شغلی و آموزشی برای آنها شد (Lowenstein, 2015: 2-5).

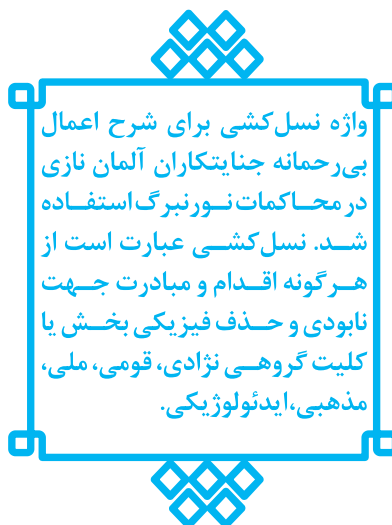
در سال ۱۹۸۲ قانون شهروندی جدیدی تصویب شد که عملاً باعث شد روهینگایی‌ها به یک قوم بدون دولت تبدیل شوند. بر اساس این قانون، روهینگایی‌ها بار دیگر به عنوان یکی از ۱۳۵ گروه قومی میانمار پذیرفته نشدند. این قانون سه سطح متفاوت شهروندی تعیین کرد. به منظور کسب اولین و بنیادی‌ترین سطح شهروندی یا همان سطح شهروند پذیرفته شده، فرد باید ثابت می‌کرد خانواده او پیش از سال ۱۹۴۸



۲-۲- جرم انگاری نسل کشی

اصطلاح ژنوسید در سال ۱۹۴۵ میلادی توسط دادستان‌ها (البته نه قضات) در دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ به کار گرفته شد. دادستان دادگاه نورنبرگ، جنایتکاران جنگی نازی را به چیزی تحت عنوان «ژنوسید» متهم کرد، اما این اصطلاح در مقررات اساسنامه دادگاه به کار گرفته نشده بود و لذا دادگاه، آنها را به دلیل سبیت‌های ارتكابی علیه یهودیان اروپا به «جنایت علیه بشریت» محکوم کرد. در واقع نسل‌کشی در منشور محکمه نظامی نورنبرگ برای محاکمه جنایتکاران جنگی دول محور، یک جرم علیه بشریت محسوب گشته بود. پس از آن سازمان ملل متحد در اولین سال فعالیت خود، قطعنامه شماره ۹۶ را در دسامبر ۱۹۴۶ تصویب نمود و به موجب آن صراحتاً تأیید کرد که «نسل‌کشی جرمی به موجب حقوق بین‌الملل است و جهان متمدن آن را تقبیح می‌کند». متعاقباً، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ به موجب قطعنامه شماره ۴۶۰، متن «کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی» را مورد تصویب قرار داد. این کنوانسیون از ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا شده است و طبق آمار موجود تا سال ۱۹۹۵ تعداد ۱۰۲ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند (میرمحمد صادقی: ۱۳۸۲: ۱۳۰). کنوانسیون ۹ دسامبر ۱۹۴۸ سازمان ملل راجع به پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی «ژنوسید» را چنین تعریف کرده است: «یکی از اعمال زیر که به قصد از بین بردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی یا قومی یا نژادی یا مذهبی، به عنوان گروه انجام گیرد: الف- کشتن اعضای گروه؛ ب- عمداً شرایطی را بر گروه تحمیل کردن به منظور آنکه موجب نابودی کلی یا جزیی آن شود؛

ج- تحمیل اقداماتی به قصد جلوگیری از تولید مثل در بین اعضای گروه؛ د- انتقال اجباری اطفال از گروهی به گروه دیگر» (میرمحمد صادقی: ۱۳۸۲: ۱۳۰).



همان‌طوری که در ماده یک کنوانسیون بیان شده، ژنوسید در واقع یک نوع مشخص از جرم و جنایات علیه بشریت بوده که می‌تواند در زمره جرایم مهم در این زمینه تلقی شود؛ در اصل، هرگونه جرم ارتكابی به معنی کشتار دسته‌جمعی و جنایت‌هایی که علیه بشریت از اهمیت دو چندان در بین جنایات برخوردار است؛ بدین معنی که هر نوع آسیبی به حیات و جان افراد، در واقع می‌تواند یکی از انواع مختلف صدماتی به حساب آید که علیه انسان‌ها رخ می‌دهد؛ زیرا در این اعمال ارتكابی، مرتکب سیاست از بین بردن جسم و روان افراد را در اعمال «تبعیض نژادی» به حساب می‌آورد. در اصل ارتکاب چنین جنایاتی را در تعداد زیادی از اعمال ارتكابی که علیه بشریت با معیار (اعمال تبعیض ملی، قومی، نژادی یا مذهبی) رخ داده است می‌توان مشاهده نمود. شاید به همین دلیل باشد که ماده ۳ کنوانسیون نه فقط این اعمال جنایت‌آمیز را بالمباشره ممنوع اعلام کرده است، در واقع هر نوع واسطه ارتکاب عمل را در زمره

معاونت و همکاری در جنایات و همچنین تبانی و توافق به منظور ژنوسید با تحریک مستقیم و مسلم جنایتکار، ممنوع اعلام نموده است. بدیهی‌ترین نکته این است که وقوع جرم ژنوساید بدون استفاده از سلاح‌های تهاجمی و مخصوصاً سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌تواند رخ دهد؛ برای مثال، دولت عراق بدون خرید سلاح‌های شیمیایی، قادر به آفریدن فاجعه شیمیایی حلبچه علیه کردها نبود؛ بنابراین ضرورت دارد که جامعه بین‌المللی با انعقاد کنوانسیون، به استناد ماده ۳ مذکور، افراد و اشخاصی را که با انجام تحقیقات علمی مبادرت به ساختن این نوع از سلاح‌های کشتار جمعی یا فروش و معامله آنها با برخی دولت‌ها و افرادی که قادر به ارتکاب جرم ژنوساید هستند، می‌نمایند، مجرم و قابل مجازات اعلام نماید؛ یعنی همان مسائل و ادعایی که کشور ایران علیه بعضی از شرکت‌ها و دول غربی به دلیل معامله و فروش تجهیزات شیمیایی به دولت عراق داشته است (میرمحمد صادقی: ۱۳۸۲: ۱۳۲).

۲-۳- جرم انگاری ژنوساید مسلمانان میانمار

پس از تصویب قانون حقوق شهروندی میانمار در سال ۱۹۸۲، از میان ۱۴۴ قومیت موجود، ۱۳۵ قومیت حقوق شهروندی دریافت کردند و نه قوم از حق شهروندی محروم شدند که بزرگترین آنها قوم روهینگیا است. از این سال مسلمانان این منطقه به شدت تحت فشار قرار گرفتند؛ بنابراین تا سال ۱۹۹۹ حدود ۳۰۰ هزار مسلمان، مجبور به ترک کشور میانمار شدند. طبق آمار ارائه شده توسط میانمار، تعداد کل مسلمانان این کشور ۶ میلیون نفر است، اما آمار غیررسمی و به اعتقاد مسلمانان، تعدادشان به ۸ میلیون نفر



به یکی از گروه‌های چهارگانه مذکور در اساسنامه دیوان باشد یا چنین باوری نداشته باشد و دادگاه یوگسلاوی سابق نیز همین رویه را در پیش گرفته است (شریفی، ۱۳۹۰: ۷۵). در خصوص جنایت ژنوساید، رکن معنوی حتماً باید موجود باشد. در صورتی که مرتکبین جنایت ژنوساید مسلمانان روهینگیا، در دفاع خود، مدعی عدم وجود رکن معنوی باشند، این ادعا از آنان قابل پذیرش نیست؛ چراکه پس از وقایع ژوئن ۲۰۱۲، مصادیق مختلف ژنوساید در مورد مسلمانان روهینگیا در طول زمان مکرراً ارتکاب یافته است که مؤید وجود رکن معنوی از سوی مرتکبین می‌باشد. مسلمانان روهینگیا، طی دهه‌های متمادی مورد آماج خشونت‌ها و جنایاتی بوده‌اند که از یک سو، با انکار تابعیت و قرار دادن آنان در شرایط سخت معیشتی و ممانعت از ازدواج‌ها و توالد و تناسل آزاد؛ مانند سایر شهروندان، مورد ژنوساید بیولوژیکی، از سوی دیگر، با کشتار (بدون توجه به جنسیت و سن قربانیان) عمدی آنان که اوج آن در ژوئن ۲۰۱۲ واقع شد، مورد ژنوساید فیزیکی قرار گرفته‌اند.

۲-۳-۲- افراد قابل تعقیب و محاکمه روهینگیا

مسئولیت کیفری، ناظر به اشخاص حقیقی است. اسباب مسئولیت فردی به لحاظ ژنوساید، مشخص شده و افراد موظف به رعایت قواعد ذی‌ربط حقوق بین‌المللی هستند. دستور ارتکاب ژنوساید، کوتاهی در پیشگیری یا مجازات مرتکبان آن، معاونت، تحریک آشکار و مستقیم به ارتکاب این جرم و شروع به ارتکاب و عملیات اجرایی نیز مواردی است که موجب مسئولیت کیفری فرد می‌شود و در همه مقررات بین‌المللی مربوط به ژنوساید،

و محاکمه هستند که در کنار عدم تمایل محاکم داخلی کشور میانمار به این امر، ارجاع آن از طریق سازمان ملل متحد و رسیدگی آن در دیوان بین‌المللی کیفری نیز مسکوت و مفعول مانده است.

۲-۳-۱- عنوان اتهامی اعمال غیرانسانی و جنایات علیه مسلمانان روهینگیا

آنچه در ژوئن ۲۰۱۲ و پس از آن، در مورد مسلمانان روهینگیا روی داده است، در ماده ۲ کنوانسیون منع مجازات نسل‌کشی و ماده ۱۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان جرم ژنوساید شناخته شده است که از قرار ذیل می‌باشد:

۱- قتل اعضا و افراد یک گروه؛ ۲- وارد کردن هر نوع صدمه سخت نسبت به سلامت جسم و جان افراد یک گروه؛ ۳- استقرار عمدی گروه در وضعیت نامطلوب زندگی، چندان که منجر به زوال جسمی کلی یا جزئی آنان گردد؛ ۴- انجام اقداماتی به منظور جلوگیری از توالد و تناسل در گروه. منظور از «گروه» در موارد فوق‌الذکر، شامل چهار گروه قومی، ملی، نژادی و مذهبی است (شریفی، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۴). ژنوساید ارتکاب یافته علیه مسلمانان روهینگیا، هم به دلیل تعلق آنان به گروه قومی خاص و هم گروه مذهبی خاص است؛ بدین معنا که از یک سو، ناسیونالیست‌های راخین، آنها را به عنوان یکی از ۱۳۵ قوم پذیرفته شده در قانون اساسی میانمار نمی‌دانند و آنها را بنگلادشی تلقی می‌کنند و از سوی دیگر، به دلیل مسلمان بودن آنان و نگرانی بوداییان نسبت به تسری پیدا کردن اسلام در میان شهروندان میانمار، قربانی ژنوساید قرار گرفته‌اند.

معیار و ضابطه ذهنی در شناسایی و تعلق افراد به یک گروه خاص کافی است، اعم از اینکه مجنی‌علیه معتقد به تعلق خود

می‌رسد. جمعیت قوم روهینگیا که فاقد هویت هستند، حدود ۸۰۰ هزار نفر است (روستایی، آرش پور، ۱۳۹۵: ۵۲-۴۶).

منابع معتبری وجود دارد که مسلمانان روهینگیا، پیش از استقلال کشور میانمار از استعمار بریتانیا، در سال ۱۹۴۸ میلادی و حتی پیش از دوره استعمار در ایالات راخین (آراکان) ساکن بوده‌اند، لکن بوداییان افراطی ملی‌گرا، به شدت این دیدگاه را رد می‌کنند و مردم روهینگیا را مهاجرین غیرقانونی می‌دانند که در طول حکومت بریتانیا بر برمه یا پس از استقلال برمه (میانمار) و پاکستان، به ترتیب در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۴۷ از بنگال شرقی به راخین مهاجرت کرده‌اند (Chan, Zan, 2005: 1-2).

در سال ۲۰۰۳ قطعنامه‌ای علیه وضعیت حقوق بشر در میانمار تصویب شد که برای اولین بار در آن به تعدادی از کنوانسیون‌های بین‌المللی؛ از جمله کنوانسیون منع مجازات نسل‌زدایی و کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ اشاره شده بود و از سال ۱۹۹۱ تاکنون، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی قطعنامه‌های متعددی از اوضاع حقوق بشر در کشور میانمار، ابراز نگرانی نموده است (امید زمانی، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۳).

علی‌رغم جرم انگاری صریح و وجود سازوکار تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایت ژنوساید مسلمانان روهینگیا، هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. در این پژوهش در سه قسمت ضمن بررسی عنوان اتهامی منطبق با اعمال ارتكابی در ژوئن ۲۰۱۲، به اشخاص قابل تعقیب و محاکمه و چگونگی رسیدگی به جرایم آنها پرداخته و ثابت می‌کنیم؛ اگرچه کشور میانمار به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ملحق نشده است، لکن مرتکبین ژنوساید مسلمانان روهینگیا، قابل تعقیب



پیش‌بینی شده است. سمت رسمی فرد، تأثیری در معافیت کیفری ندارد (خالقی، جاویدزاده، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

۲-۳-۳- نحوه دخالت عاملین ژنوساید مسلمانان روهینگیا در ارتکاب این جرم

۱) فاعلیت در ژنوساید که در قواعد عمومی حقوق جزا، فاعل جرم به کسی اطلاق می‌شود که رکن مادی جرم را انجام داده باشد و با وجود رکن معنوی به عنوان مسئول کیفری، تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرد. تحقق جنایت ژنوساید، نه فقط از طریق فعل که از طریق ترک فعل نیز به منصفه ظهور می‌رسد.

در خصوص پرونده‌های ژنوساید و مواردی؛ مانند وقایع موضوع تحقیق حاضر، ممکن است مردم عادی نیز مرتکب قسمتی از اعمال مادی جرم شوند؛ مانند آنچه راخین‌ها با تحریک حزب ناسیونالیست راخین و یا گروه‌های افراطی بودایی در خصوص ژنوساید فیزیکی مسلمانان روهینگیا انجام داده‌اند؛ اما در این جرم فاعلیت برای افرادی؛ نظیر «تین‌سین»، رئیس جمهور وقت کشور میانمار که با اجرای برنامه‌هایی جهت ژنوساید بیولوژیکی مسلمانان روهینگیا؛ از جمله انتقال اجباری آنان از مناطقی که در آن سکونت داشتند به اردوگاه آوارگان و قرار دادن آنان در شرایط سخت معیشتی و ممانعت از تولد و تناسل آزاد که حق هر زوج آزادی می‌باشد و... به نحو آشکار و غیر قابل انکار در اقدام علیه مسلمانان روهینگیا نقش داشت، آشکار است؛ همچنین فرمانده ارتش میانمار که شاخه‌ای از نیروهای تحت فرمان وی به نام (ناساکا) مستقیماً مباشرت در ژنوساید فیزیکی افراد مورد مطالعه این پژوهش داشته‌اند (ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری).

البته به عقیده ما مردم عادی و کسانی که ارکان جرم ژنوساید با فعل آنان انطباق نمی‌یابد و صرفاً به دلیل تحریک مذهبی یا حس ناسیونالیستی خود، مرتکب قتل یا ایراد صدمه بدنی عمدی قربانیان وقایع ژوئن سال ۲۰۱۲ شده‌اند، در دادگاه‌های داخلی و صرفاً با همین عناوین مجرمانه، قابل محاکمه و مجازات هستند.

۲) تحریک مستقیم به ارتکاب ژنوساید از سوی افرادی؛ نظیر «دکتر آی مونگ» که از طریق روزنامه، تلویزیون، انتشار بیانیه و نطق در مجامع، به طور مؤثر با سوءاستفاده و تحریک حس ناسیونالیستی راخین‌ها و سایر اقوام بودایی میانمار، ایشان را به ارتکاب جنایت ژنوساید تهییج نمود، از مصادیق این نوع مداخله در ارتکاب جرم ژنوساید است (محاسب، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۲۷).

البته در خصوص اینکه چه اشخاصی در خشونت‌های ژوئن سال ۲۰۱۲ و حتی بعد و قبل از آن (در مورد اخیر می‌بایست در صلاحیت زمانی دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد)، قابل تعقیب و محاکمه‌اند، می‌بایست پیش از تشکیل جلسه رسیدگی ماهوی، یک کمیته حقیقت‌یاب واقعی شکل گیرد.

۳- مراجع صالح رسیدگی به ژنوساید مسلمانان روهینگیا

۱-۳-۳- محاکم کیفری داخلی
مسئولیت اصلی در تعقیب و رسیدگی به جنایت ژنوساید، با دادگاه‌های ملی کشوری است که این جرم در قلمرو آن واقع شده است. در صورت عدم تمایل یا توانایی دادگاه‌های ملی و یا در نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد، دیوان بین‌المللی کیفری (البته در شرایط مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) اعمال صلاحیت خواهد کرد؛ بنابراین اولین مرجع صالح رسیدگی به جنایت ژنوساید مسلمانان روهینگیا،

محاکم کیفری داخلی و ملی کشور میانمار است که البته با توجه به اینکه تاکنون اقدام خاصی در جهت رسیدگی به آن جنایت انجام نداده است، می‌توان به دلیل عدم تمایل دستگاه قضایی این کشور در رسیدگی به این جنایت از آنها سلب صلاحیت نمود.

۲-۳-۲- نهادهای قضایی مختلط

این نهادها با مشارکت سازمان ملل متحد و دولت‌های ذی‌ربط و مرکب از قضات ملی و بین‌المللی تشکیل می‌شود و مستند احکامشان هم حقوق داخلی و بین‌المللی است. تاکنون چند دادگاه به همین عنوان تشکیل شده است که در این میان دادگاه کامبوج صلاحیت رسیدگی به ژنوساید را دارد. مقامات ذی‌ربط کشور میانمار تاکنون در این خصوص اقدامی انجام نداده‌اند تا با مشارکت سازمان ملل متحد و این کشور به این پرونده مفتوح در اذهان به شکل قضایی رسیدگی شود.

۳-۳- دیوان بین‌المللی کیفری

در خصوص صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری ذکر چند نکته اهمیت دارد:

۱-۳-۳- صلاحیت تکمیلی

اصل صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری در مقابله با بی‌کیفری برای آن دسته اعمال که جنایت بین‌المللی قلمداد می‌شوند، از آنجاست که عدم تمایل یا عدم توانایی دادگاه‌های ملی برای تحقق و تعقیب در مورد چنین نقض‌هایی، مانع از اعمال صلاحیت دیوان نمی‌شود (حسینی، اکبر نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

۲-۳-۳- قابلیت پذیرش دعوا در دیوان

اصل صلاحیت تکمیلی، بیان‌کننده رابطه دیوان بین‌المللی کیفری با دادگاه‌های ملی است و این امر از طریق «قابلیت پذیرش»، تنظیم می‌شود (دیهیم، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴).



در خصوص قابلیت پذیرش دعوا در دیوان بین‌المللی کیفری، معیارهایی وجود دارد که از قرار ذیل می‌باشند:

- ۱- حقیقی نبودن رسیدگی محاکم داخلی؛
- ۲- عدم تمایل دولت‌ها به رسیدگی از طریق مصون نگهداشتن مرتکبین از مسئولیت کیفری، تأخیر غیر قابل توجیه و بی‌طرفانه یا مستقل نبودن رسیدگی‌های محاکم داخلی؛
- ۳- عدم توانایی دولت‌ها در رسیدگی به دلیل فروپاشی نظام قضایی ملی یا عدم دسترسی به نظام قضایی ملی (حسینی اکبر نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۱۶).

۳-۳-۳- صلاحیت زمانی دیوان

دیوان تنها نسبت به آن دسته از جرایم ارتكابی صلاحیت رسیدگی دارد که پس از لازم‌الاجراء شدن اساسنامه ارتكاب یافته باشند. مطابق بند یک ماده ۱۲۶ اساسنامه دیوان، اساسنامه دیوان از اولین روز ماه پس از شصتمین روز از تاریخ تودیع شصتمین سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق نزد دبیر کل لازم‌الاجرا می‌شود. اساسنامه دیوان از اول جولای سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید. برای آن دسته از کشورهای که پس از این مدت، اساسنامه را تصویب، یا با آن موافقت نمایند یا به آن ملحق می‌شوند، اساسنامه از نخستین روز ماه بعد از تاریخ سپرده سند تصویب، پذیرش موافقت یا الحاق توسط آن دولت، نزد دبیر کل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد. همچنین، شایان ذکر است ژنوساید و کلیه جرایمی که در صلاحیت دیوان هستند، مشمول مرور زمان نمی‌گردد (ماده ۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری). با توجه به اینکه کشور میانمار، به کشورهای پذیرنده این اساسنامه ملحق نشده است؛ بنابراین در صورت ارجاع پرونده ژنوساید مسلمانان روهینگیا به دیوان از سوی

شورای امنیت سازمان ملل متحد، همان تاریخ اول جولای سال ۲۰۰۲، از حیث صلاحیت زمانی، مجری خواهد بود.



از زمان وقوع درگیری قومی روهینگیا در میانمار، نسل‌کشی به یکی از اساسی‌ترین مسائل امروزی در جهان تبدیل شده است. این درگیری که باعث کشته شدن هزاران غیرنظامی بی‌گناه شده است در قرن گذشته اتفاق افتاد و در قرن بیست و یکم به طور فزاینده‌ای داغ شد. نسل‌کشی روهینگیا یک جنایت بین‌المللی جدی است که به طور گسترده و سیستماتیک توسط بازیگران دولتی (عوامل دولتی یا دستگاه‌های نظامی) و بازیگران غیردولتی با تخریب کلی یا جزئی انجام شده است.



۳-۳-۴- ارجاع به دیوان از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد

این امر می‌تواند در قالب وضعیت‌های خاص، بدون توجه به محل ارتكاب جرم یا تابعیت مجرم، به موجب اساسنامه دیوان صورت گیرد. بدیهی است مبنای اعمال صلاحیت دیوان در این مورد به خصوص اصل صلاحیت جهانی است که از جانب شورای امنیت و در راستای اجرای فصل هفتم منشور و حفظ صلح و امنیت جهانی بر عهده دیوان بین‌المللی کیفری گذارده شده است. ممنوعیت ارتكاب ژنوساید، بنا به تصریح کنوانسیون ۱۹۴۸ جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی، هم اکنون به بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی تبدیل شده است و آمره محسوب می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۱۷۲)؛ بنابراین با توجه به اینکه کشور میانمار به کشورهای

پذیرنده اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نپیوسته است و با توجه به اینکه محاکم کیفری داخلی این کشور نسبت به تعقیب و محاکمه مرتکبین ژنوساید مسلمانان روهینگیا تمایلی به رسیدگی ندارد و تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص انجام نداده است و با عنایت به اینکه وخامت اوضاع حقوق بشر در میانمار در خصوص مسلمانان روهینگیا همچنان ادامه دارد، شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌بایست وارد عمل شده و این پرونده را جهت رسیدگی، به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع دهد.

۳-۴- نسل‌زدایی و نژادپرستی در میانمار

به استناد ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸، موضوع کشتار مسلمانان میانمار، مصداق بارز نسل‌کشی است. موج جدید کشتار و آواره سازی مسلمانان میانمار از زمانی آغاز شد که بوداییان افراطی قوم «ماگ» به بهانه کشته شدن یکی از بودایی‌ها به دست یک مسلمان در نزاع، با هجوم به مناطق مسلمان‌نشین به کشتار مسلمانان پرداختند. بودایی‌های افراطی که از حمایت دولت میانمار نیز برخوردار بودند، بسیاری از مسلمانان را کشتند و شمار زیادی از آنها را نیز آواره کردند. آمار مختلف و بعضاً متناقضی از تعداد کشته شدگان مخابره شده است. اعدادی نظیر ۲۰ هزار نفر تا ۵۰ هزار نفر و یا حتی بیشتر در رسانه‌ها منتشر شده است. بنا بر گزارش سازمان ملل، در موج اخیر حملات بر ضد مسلمانان، بیش از ۹۰ هزار نفر از مسلمانان آواره شده‌اند. روزنامه انگلیسی «سندی تایمز» در گزارشی به جنایت‌های هولناک بر ضد مسلمانان، از جمله کشتار مردان و تعرض به زنان در منطقه روهینگیا اشاره می‌کند. در این میان، دولت و ارتش



۳-۵- نسل‌زدایی علیه یک گروه نژادی

در طول چند سال فشارهای بسیار قوی و خطرناک نژادپرستی در میان بودایی‌های میانمار که در اخراج کل جمعیت مسلمان شرکت کردند پدید آمده است. جنایاتی به نام ناسیونالیسم بودایی که در میانمار رخ می‌دهد، با ایده‌ال محبت سازگار نیست. راخین بودایی، فرزندان جوان میانمار را پیش چشم اعضای خانواده در شعله‌های آتش خانه‌های خود می‌افکندند. در ۳ ژوئن در شهرهای راخین، حدود ۳۰۰ مایلی غرب رانگون، پایتخت سابق ۱۰ زائر خارج استانی مسلمان به دست بیش از ۱۰۰ مرد بودایی از یک اتوبوس بیرون کشیده شدند و تا حد مرگ کتک خوردند و این یکی از تکان دهنده‌ترین جنبه‌های نژادپرستی ضد روهینگیا است. این نژادپرستی در شرایطی است که اکثر قریب به اتفاق برمه‌ای‌ها، به ویژه در مرکز قسمت‌های شمالی برمه، هرگز یک فرد روهینگایی را ندیده‌اند چون بسیاری از آنان در ایالت راخین برمه غربی در مجاورت بنگلادش زندگی می‌کنند. حضور فیزیکی جدا از زبان، دین و فرهنگ و طبقه نشانه جدایی‌ناپذیری جماعت ملی گراست. در بیشتر موارد اهمیت رنگ هنگام بررسی نژادپرستی در سراسر آسیا نادیده گرفته شده است، روهینگیا افرادی با پوست تیره‌تر هستند که گاهی اوقات به طعنه بنگالی کالار نامیده می‌شوند. در واقع بودایی‌های برمه‌ای با پوست روشن‌تر در برخورد با افراد تیره پوست چندان واهمه‌ای ندارد و بر این باورند که هر چه پوست فرد روشن‌تر باشد، مطلوبیت، احترام و مصونیت بیشتری دارد.

بوده است، به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و با همکاری دولت، به کشتار و آواره کردن مسلمانان پرداخته‌اند. موج جدید کشتار مسلمانان این ایالت نیز با قصد و نیت از بین بردن مسلمانان و غصب این سرزمین صورت می‌گیرد. از این رو عنصر روانی جنایت نسل‌زدایی نیز در موضوع کشتار مسلمانان میانمار قابل تحقق است.

۴- دولت میانمار را نیز می‌توان به دلیل سکوت دولت و حتی در برخی موارد همکاری با بوداییان در جنایت بر ضد مسلمانان، بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری مسئول دانست؛ زیرا همان‌گونه که انجام فعل، با ویژگی‌های پیش‌گفته، موجب تحقق جنایت نسل‌زدایی می‌گردد، ترک فعل نیز موجب تحقق این جنایت می‌شود. «بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری، نسل‌زدایی می‌تواند هم از طریق فعل و هم از طریق ترک فعل صورت پذیرد». حمایت نکردن دولت از شهروندان خود و حتی همراهی با بوداییان در انجام این جنایت، مصداق بارز ترک فعل در تعریف یاد شده است. رئیس‌جمهور میانمار «تین سین» به طور رسمی اعلام کرده است که جمعیت ۸۰۰ هزار نفری مسلمانان میانمار را قومیتی خارجی می‌داند که باید یا در اردوگاه‌های آوارگان متمرکز شوند و یا اخراج شوند. با توجه به توضیحات یاد شده، می‌توان گفت که فرضیه مورد نظر این یادداشت که کشتار مسلمانان میانمار، مصداق بارز نسل‌زدایی در حقوق بین‌الملل کیفری است، به اثبات می‌رسد و می‌توان ادعا کرد که کشتار مسلمانان در میانمار، مصداق بارز جنایت نسل‌زدایی در حقوق بین‌الملل کیفری است (طاهری: ۱۳۹۲: ۱۴۹).

میانمار، با سکوت خود، نوعی همکاری با بوداییان افراطی را در پیش گرفته‌اند. برای اثبات اینکه کشتار مسلمانان در میانمار، مصداق جنایت نسل‌کشی در حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد یا خیر، باید بررسی کنیم که آیا واقعیت‌های میانمار قابل تطبیق با اصول حقوقی ناظر بر جنایت نسل‌کشی هست یا خیر؟

۱- جامعه مسلمانان میانمار، بر طبق تعریفی که از یک گروه مذهبی آورده شد، مصداق قطعی یک گروه مذهبی هستند و تنها به دلیل برخورداری از این ویژگی؛ یعنی مسلمان بودن، مورد هجمه بوداییان افراطی قرار گرفته‌اند.

۲- کشتار مسلمانان میانمار، مصداق بند (الف)، ماده (۲) کنوانسیون ۱۹۴۸ جلوگیری و مجازات نسل‌زدایی است. در واقع عنصر مادی جنایت نسل‌زدایی در این موضوع دقیقاً محقق شده است. اینکه تعداد کشته‌شدگان در میانمار دقیقاً چه میزان است، در تحقق جنایت نسل‌زدایی تأثیری ندارد؛ «زیرا بر اساس ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تفاوتی نمی‌کند که تعداد قربانیان نسل‌زدایی یک نفر یا بیشتر باشد، به شرط آنکه این افراد به یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی خاص تعلق داشته و مرتکب، قصد نابودی کلی یا جزئی گروه مورد نظر را به دلیل برخورداری از این ویژگی‌ها داشته باشد» (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

۳- در مورد عنصر روانی جنایت نسل‌زدایی که همان نیت و قصد خاص برای نابود کردن یک گروه مشخص می‌باشد نیز می‌توان گفت که بودایی‌های میانمار طی سالیان دور گذشته با انگیزه غصب ایالت راخین که سکونتگاه تاریخی مسلمانان



۴- وظایف جامعه جهانی در قبال نسل‌زدایی علیه مسلمانان میانمار

۴-۱- مسئولیت دولت‌ها

به طور کلی می‌توان گفت عدم تحقق مجازات جنایتکاران دولتی عمده‌ترین زمینه مسئولیت دولت‌هاست؛ دولت‌هایی که دستشان به خون مردم خود یا مردم دیگر ملل آلوده است و حقوق بین‌الملل را ناتوان کرده است و این از مظاهر تعارض حاکمیت دولت‌ها با مسئولیت کیفری آنهاست. گفته می‌شود که نمی‌توان یک دولت را با توجه به استقلالی که دارد در ارتباط با اعمالش مورد سؤال قرار داد. این نظر در مورد جنایات نسل‌کشی که مسئولیت کیفری برای دولت ایجاد می‌کند استوارتر است و چون دولت موجودی فرضی است این افراد هستند که باید مورد مجازات قرار گیرند؛ زیرا این افراد هستند که تصمیم می‌گیرند و اختیار عمل دارند لذا همان افراد باید مجازات شود (استانیسلاو پلاوسکی، ۱۳۷۱: ۸۳).

در کنار این موضع نباید فراموش کرد که مخاطب حقوق بین‌الملل دولت‌ها هستند نه افراد. ولی هدف این است که حقوق بین‌الملل توسط دولت‌ها که تابع حقوق بین‌الملل هستند اجرا شود و از اینجاست که مسئولیت فردی که به نام دولت انجام وظیفه می‌کند ثابت می‌شود. علاوه بر این، رویه عملی جامعه بین‌الملل بر این منوال است که در این گونه جرایم، افراد نیز مسئولیت دارند و مورد مجازات قرار می‌گیرند؛ برای مثال دادگاه نورنبرگ یکی از فصول حکم خود را به مسئولیت‌های فردی اختصاص داده بود. همچنین ماده ۴ پیمان منع نسل‌کشی مقرر می‌دارد اشخاصی که مرتکب نسل‌کشی و یا اعمال

مشروحه در ماده سوم شوند، اعم از اینکه حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند، مجازات خواهند شد، چنانکه می‌بینیم ماده ۴ اشخاص عادی را در ارتباط با جنایت نسل‌کشی قابل مجازات می‌داند (رجایی باغی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

۴-۲- محاکمه عاملین نسل‌کشی مسلمانان میانمار از منظر حقوق کیفری

از زمان وقوع درگیری قومی روهینگیا در میانمار، نسل‌کشی به یکی از اساسی‌ترین مسائل امروزی در جهان تبدیل شده است. این درگیری که باعث کشته شدن هزاران غیرنظامی بی‌گناه شده است در قرن گذشته اتفاق افتاد و در قرن بیست و یکم به طور فزاینده‌ای داغ شد. نسل‌کشی روهینگیا یک جنایت بین‌المللی جدی است که به طور گسترده و سیستماتیک توسط بازیگران دولتی (عوامل دولتی یا دستگاه‌های نظامی) و بازیگران غیردولتی با تخریب کلی یا جزئی انجام شده است. اگرچه دولت میانمار استدلال می‌کند که اقدامات آنها به منظور محافظت از میانمار در برابر مردم روهینگیا به عنوان «تروریست» و عامل خطر برای میانمار صورت می‌گیرد، اما اقداماتی که توسط رژیم نظامی میانمار انجام شد بسیار غیرانسانی و ناقض حقوق بشر بوده است. بر اساس گزارش عفو بین‌الملل، از ۲۵ اوت ۲۰۱۷، بیش از ۷۵۰۰۰ پناهجو که اکثراً زنان و کودکان هستند، میانمار را ترک کرده‌اند. آنها پس از حملات متعدد ارتش میانمار به جامعه اقلیت مسلمان وارد بنگلادش شدند (Nasution, 2018: 182,183).

کنوانسیون نسل‌کشی^(۳) پنج عمل را به عنوان عامل اصلی نسل‌کشی شناسایی می‌کند: (۱) کشتن اعضای گروه؛ (۲) ایجاد

صدمات جدی جسمی و روحی به اعضای گروه؛ (۳) تحمیل عمدی شرایط زندگی گروهی که به گونه‌ای محاسبه شده است که به طور کلی یا جزئی تخریب فیزیکی آن را به همراه داشته باشد؛ (۴) اعمال تدابیری برای جلوگیری از تولد درون گروه؛ و (۵) انتقال اجباری بچه‌های گروه به گروهی دیگر. این مجموعه رفتارهای ممنوعه روشن می‌کند که نسل‌کشی می‌تواند بدون کشتار دسته‌جمعی عمده اعضای گروه و از طریق ارتکاب سایر اشکال آسیب حاد که کمتر از نابودی است، رخ دهد. در این راستا، دادگاه‌ها مفهوم «مرگ آهسته»^(۴) را توسعه داده‌اند که شامل تحمیل عمدی شرایط زندگی برای یک گروه محافظت شده است که ممکن است باعث مرگ فوری اعضای گروه نشود، اما در نهایت منجر به این نتیجه خواهد شد (Schaack, 2019: 293).

با تعیین پیروان همان مذهب به عنوان یک گروه حفاظت شده خاص، می‌توان ارتباط قوی بین دین و جنایات بین‌المللی؛ مانند نسل‌کشی یا جنایات آزار و شکنجه علیه بشریت ایجاد کرد. به منظور هدف قرار دادن بخشی از یک جمعیت، از زبان دینی سوءاستفاده می‌کنند تا «قربانیان را به عنوان بازیگرانی در درام مقدسی که مستحق نابودی هستند و اغلب توسط تفسیر متنی و حکم‌های الهیات پشتیبانی می‌شود» تصور کنند. دین به مثابه مظهر هویت دینی است که در آن قربانیان متمایز و حتی شیطان‌صفت به تصویر کشیده می‌شوند، در حالی که مرتکبین (از جمله روحانیون عوام فریب) خود را مردمی متمایز، برگزیده یا بهشتی می‌دانند. کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل سازمان ملل متحد در میانمار^(۵) و دادستان دیوان

بین‌المللی کیفری، حملات علیه روهینگیا توسط راهبان برجسته و دیگر بازیگران کلیدی که «اهریمنان روهینگیا» را از جمله با بیانیه‌های مذهبی اهانت می‌کردند و آنها را تهدیدی وجودی برای بوداییان معرفی می‌کردند یکی از ریشه‌های این بحران می‌دانند که نفرت ناسیونالیستی بودایی در میانمار را منعکس و تشدید کرد. تحقیقات دادستان دیوان بین‌المللی کیفری شامل جنایات ادعایی علیه بشریت مبنی بر آزار و شکنجه به دلایل مذهبی و یا قومی علیه روهینگیا می‌شود؛ زیرا دلایل منطقی برای این باور وجود دارد. قربانیان به دلیل عضویتشان در گروه روهینگیا مورد هدف قرار گرفتند. حملات به مساجد و مدارس و همچنین توهین‌ها و اظهارات تبعیض‌آمیز قومی و مذهبی، شواهدی از چنین هدف‌گیری است. روند رسیدگی به دادگاه بین‌المللی کیفری مربوط به روهینگیا هنوز در مراحل اولیه (تحقیق) است. با این حال، بررسی توصیفات روهینگیا توسط دیوان

برآمد

بین‌المللی کیفری به سه دلیل مرتبط است: اول، این توصیف اولیه ممکن است بینش‌هایی را در مورد آنچه ممکن است در نتایج قضایی بعدی مورد انتظار باشد ارائه دهد. دوم، بررسی این نکته مفید است که دیوان کیفری بین‌المللی چگونه ابعاد قومی و مذهبی را در توصیف مداوم خود از مردم روهینگیا در نظر گرفته است. سوم، در نظر گرفتن روشی که دادگاه بین‌المللی کیفری ممکن است به طور بالقوه به مشروعیت بخشیدن به هویت روهینگیا کمک کند. این مشارکت قضایی از جمله با رویه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطابقت دارد که نه تنها از اصطلاح «روهینگیا» در قطعنامه‌های خود استفاده کرده است، بلکه از دولت میانمار نیز خواسته است تا اجازه شناسایی روهینگیا را بدهد. تلاش‌ها می‌تواند به رفع انکار هویت مردم روهینگیا به عنوان یک گروه قومی کمک کند که میانمار به طور سیستماتیک آن را اجرا کرده است.

برای قربانیان بسیار مهم است که وجود روهینگیا را به عنوان یک گروه شناخته شده و قابل تشخیص بر اساس قومیت آنها و همچنین پیروان دینی متمایز از اکثریت جمعیت میانمار به رسمیت بشناسند (Pérez-León-Acevedo & Pinto, 2021: 466-469). بررسی‌های فوق حکایت از نوعی تقابل میان سیاست و حقوق دارد. گرچه بسیاری از دولت‌ها جنایت میانمار را یک موضوع داخلی می‌دانند که مجامع بین‌المللی نباید در آن دخالت نمایند، اما بر اساس مستندات حقوقی و خاصه علم حقوق عمل دولت میانمار در قالب اسناد حقوقی مصداق قاعده حقوقی نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت قابل تبیین می‌باشد؛ چراکه همه ارکان جرم از دیدگاه حقوق بین‌المللی؛ یعنی سه بعد مادی، حقوقی و معنوی در وقوع این حادثه شکل گرفته‌اند و علاوه بر آن بر اساس تعریف بین‌المللی از نسل‌کشی حادثه میانمار مصداق نسل‌کشی به حساب می‌آید.

امروزه برخلاف جوامع سنتی قدیم شاهد پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباطات جمعی هستیم. با پیشرفت این ابزارها شاهد گذر جامعه از سنتی به مدرن، از سادگی به پیچیدگی، از تک‌بعدی به چندبعدی هستیم. مصادف با این تغییر و تحولات در جوامع، جرایم و بزهکاری‌ها نیز متعدد، پیچیده، متنوع و گسترده شده‌اند که از جمله این جرایم، «ژنوساید» است. این جرم نیز امروزه دستخوش تحولات و پیچیدگی‌های فراوانی شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان بیان داشت وقوع جنگ‌های جهانی، گسترش ناامنی بین‌المللی، افزایش جرایم در سطح گسترده و فراتر از اختیارات دولت‌ها، جنگ‌های مسلحانه، ظهور افراد جانی، نسل‌کشی، جنایات بین‌المللی همه و همه در سطح جهان قابل مشاهده می‌باشد که اخیراً یکی از جرایم در میانمار رخ داد و سبب قتل عام مسلمانان این منطقه شد. این موضوع از حیث حقوقی به «ژنوساید مسلمانان میانمار» معروف شده است؛ بنابراین یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که نسل‌های مختلف مسلمانان روهینگیا در طول دهه‌های متمادی، قربانی اقسام ژنوساید بوده‌اند؛ اما تاکنون نه تنها محاکم کیفری داخلی کشور میانمار بلکه، جامعه بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد به‌رغم جرم‌انگاری ژنوساید، با وجود سازوکار مناسب؛ یعنی اختیار این سازمان جهت ارجاع مستقیم این پرونده از سوی سازمان امنیت به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، از این امر سرباز زده‌اند. این در حالی است که تمام آنچه برای تعقیب و محاکمه مرتکبین این جنایت لازم است، از وجود عناصر سه‌گانه حقوقی (عنصر مادی، معنوی و قانونی) تا پیش‌بینی مرجع صالح جهت رسیدگی به این جنایت و اسناد، مدارک و دلایل متعدد که دیده‌بانان حقوق بشر همین سازمان طی گزارش‌های رسمی خود به این



سازمان آنها را ارائه داده‌اند، وجود دارد. نکته منفی این بی‌توجهی نسبت به اقدام جدی در خصوص جنایت واقع شده بر مسلمانان میانمار در طول سالیان متمادی، موجب ادامه این روند است که می‌توان گفت فاجعه انسانی علیه مسلمانان روهینگیا و از بین بردن نسل آنها در مقابل دیدگان بشریت در طول زمان مکرراً اتفاق می‌افتد، بدون اینکه هیچ اقدام مؤثری جهت تعقیب و محاکمه عاملین و مرتکبین این جنایت انجام گیرد؛ لذا در این راستا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که این موضوع حکایت از نوعی تقابل و دوگانگی میان «سیاست و حقوق» دارد، مبنی بر اینکه رخداد میانمار مصداق بارز جرم نسل‌کشی است و حقوق کیفری در این زمینه می‌بایستی عاملین و مرتکبین را مجازات نماید، اما حوزه سیاست و سیاست‌بازی اجازه نمی‌دهد که دولت مقصر شناخته شده میانمار مورد مجازات قرار گیرد؛ زیرا در حوزه سیاست استدلال بر این است که اقدام دولت میانمار در قالب هنجارها، ارزش‌ها و هویت داخلی جامعه میانمار رخ داده و حق با دولت میانمار است و مخالفان چندان حق به جانب نیستند، لذا بر طبق این رویکرد نمی‌توان دولت میانمار را سرزنش کرد و عمل آن را غیرقانونی جلوه داد. از این رو، با توجه به عدم رسیدگی از سوی نهادهای بین‌المللی و دخالت قدرت‌های دارای منافع در میانمار، در این راستا پیشنهاد می‌شود تا ضمن توجه به ایجاد ارتباط و اتحاد میان کشورهای اسلامی به دور از مسائل فرقه‌ای موجود، تأسیس نهادهایی خاص در چارچوب توافق بین کشورهای اسلامی برای رسیدگی به چنین جنایاتی در دستور کار قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

اسناد و رویه‌های بین‌المللی، کنگره بین‌المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم

انسانی اسلامی، تهران، ۱۳۹۸

۱۲- ماهنامه جهان‌گستر، مسلمانان در میانمار، شماره ۱۳۹۴، ۱۲۸

۱۳- محاسب، مهین دخت، کشتار جمعی (ژنوسی)، تهران، گنج دانش، چاپ

نخست، ۱۳۸۶

۱۴- میرکمالی، علیرضا، مبانی فقهی - حقوقی جرم‌انگاری تجاوز زناشویی،

فصل‌نامه خانواده‌پژوهی، سال ۱۳، شماره ۵۱، ۱۳۹۶

۱۵- میرمحمد صادقی، حسین، بررسی جرایم علیه بشریت در یوگسلاوی

سابق با نگاهی ویژه به جرایم علیه زنان، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۲

16- Nasution, A. R. *The Crime of Genocide on the Rohingya Ethnic in Myanmar from the Perspective of International Law and Human Rights*. Padjadjaran Journal of Law, 5(1), 2018

17- Pérez-León-Acevedo, J. P. & Pinto, T. A. *Disentangling Law and Religion in the Rohingya Case at the International Criminal Court*. Nordic Journal of Human Rights, 39(4), 2021

18- Schaack, B. (2019). *Determining the Commission of Genocide in Myanmar*. Journal of International Criminal Justice, 17

19- William J. Topich & Keith A. Leitch. *The History Of Myanmar*. London University Press, 2013

20- Human Right Watch. *Discrimination in Arakan*. Retrieved From: https://www.hrw.org/reports/2000/burma/burm005-02.htm#P132_34464, 2018

21- InFlux virus-The "Chan, Aye, zan, shw u illegal muslims in Arkan". Available form: <http://www.Network Myanmar.org/images/stories/PDF.influx-virus.PDF/15>, 2005

22- Raphael, Leman. *Genocide as a crime under international law*. Ajill.

23- <https://www.aljazeera.com/indepth/features/2017/08/rohingya-muslims-170831065142812.html> 1947-

1- Union Citizenship Act

2- Genocide Convention

3- slow death

4- UN Independent International Fact-Finding Mission on Myanmar (IIFMM)

فهرست منابع

۱- اردبیلی، محمدعلی و همکاران، نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۱۰، ۱۳۸۳

۲- استانیسلاو پلاوسکی، بررسی اصول اساسی حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه علی آزمایش، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰

۳- امید زمانی، محسن، «وضعیت حقوق بشر در میانمار و نحوه ارجاع آن به شورای امنیت»، فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۲۱، ۱۳۸۷

۴- پوربافرانی، حسن، «حقوق جزای بین‌المللی»، تهران، نشر جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸

۵- حسینی اکبرنژاد، هاله، «صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری: پویایی نظام‌های قضایی ملی در مقابله با بی‌کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۴۱، ۱۳۸۸

۶- خالقی، علی؛ جاوید زاده، حمیدرضا، «رویکرد قضایی سازمان ملل متحد در مبارزه با نسل‌کشی»، فصل‌نامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، ۱۳۹۰

۷- دیپهم، علیرضا، «درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی»، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴

۸- رجایی باغی، مهدی، جنایت نسل‌کشی در بحرین و راهکارهای حقوقی مقابله با آن، مجله علوم سیاسی، شماره ۵۵، ۱۳۹۰

۹- روستایی، علیرضا؛ آرش پور، علیرضا، «پاکسازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی؟»، فصل‌نامه حقوق کیفری، شماره ۱۵، ۱۳۹۵

۱۰- شریفی، محسن، «ارکان نسل‌کشی در پرتو اسناد و رویه قضایی بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۱۵، ۱۳۹۰

۱۱- صبور، مهدی و همکاران، تدابیر مقابله‌ای با ژنوساید (نسل‌کشی) در